

نقش زنانگی در مقوله اخلاقی غیرت

رحیم دهقان سیمکانی*

چکیده

در روایات متعددی غیرت، نه تنها فضیلتی صرفاً مردانه قلمداد شده است، بلکه حتی این صفت برای زنان مذموم دانسته شده و از غیرت زنانه به نوعی حسد تعبیر شده است. حال، اگر زنی از سر عشق، بی چشم داشت به همسر و خانواده اش، تلاش کرد تا به نوعی همسر خود را کنترل کرده و دورادور تحت نظر گیرد تا اتفاقی ناگوار کانون گرم خانواده او را متلاشی نسازد، آیا حسادت ورزیده است؟ اساساً آیا زن حق ندارد به همسر خود غیرت بورزد؟ این نوشتار در نظر دارد تا نقش زنانگی و میزان و معیار تأثیر آن در ساحت اخلاق اسلامی را با تأکید بر مقوله اخلاقی غیرت، در بستر متون روایی شیعه و

* - دانشجوی دکترای دین پژوهی.

آیات شریف قرآن و اکاوی نماید. به نظر می‌رسد در برخی مقولات اخلاقی از جمله مقوله غیرت، آنچه موجب تمایز داوری اخلاقی در باب زن و مرد شده بیشتر تابعی از نقش زن در بستر جامعه و یا خانواده بوده و کمتر به مطلق شخصیت و ماهیت زن توجه داشته است.

واژه‌های کلیدی

زنانگی، روایات، اخلاق، قرآن، غیرت، زن.

مقدمه

بررسی متون دینی به عنوان مبنای اعتقادات مسلمانان، از نظرگاه‌هایی جدید و با دیدی موشکافانه می‌تواند ریشه بسیاری از اندیشه‌های رایج در میان دینداران را آشکار سازد. یکی از مسائلی که به خاطر آن باید متون روایی را بازخوانی و اکاوی کرد مسأله غیرت است.

از طرفی، در مرد تمایل به عفاف و پاکی زن وجود دارد، و هر مرد باایمانی رغبت دارد که همسرش پاک و دست‌نخورده باشد؛ هم‌چنان که در خود زن نیز تمایل به این که شوهر با زن دیگر رابطه و آمیزش نداشته باشد وجود دارد.

از سوی دیگر، در روایات متعددی، غیرت نه تنها فضیلتی صرفاً مردانه قلمداد شده است، بلکه حتی این صفت برای زنان مذموم دانسته شده و از غیرت زنانه به نوعی حسد تعبیر شده است. حال، اگر زنی از سر عشق، بی‌چشمداشت به همسر و خانواده‌اش، تلاش کرد تا به نوعی همسر خود را کنترل کرده و دورادور تحت نظر گیرد تا اتفاقی ناگوار کانون گرم خانواده او را متلاشی نسازد، آیا حسادت ورزیده است؟ اساساً آیا زن حق ندارد به همسر خود غیرت بورزد؟

بر اساس این سؤال، این نوشتار تلاشی است برای بررسی نقش و تأثیر زنانگی در مقولات اخلاق اسلامی بر اساس متون روایی شیعه و با تمرکز به مقوله اخلاقی غیرت. در مباحث پیرامون اخلاق فمینیستی در غرب نیز، فارغ از گرایش‌های فمینیستی، همواره رویکرد فمینیستی به متون مقدس وجود داشته است. هدف این مقاله آن است که شأن، تأثیر و رتبه زن و زنانگی را به صورتی روشمند در متون دینی به محک تحقیق و تتبع بسپارد. بر این اساس، نخست معنای غیرت را بیان نموده، سپس ضمن تبیین اقسام غیرت در روایات شیعی، آن را به عنوان خصلتی انسانی و برای نوع انسان معرفی و پس از آن دسته‌ای از روایات متعدد که در آنها غیرت، فضیلتی مردانه قلمداد شده است را تحلیل و بررسی می‌کنیم.

غیرت؛ معنای اصطلاحی و عرفی

غیرت در لغت و اصطلاح

غیرت از لغت «غیر» گرفته شده و می‌تواند معانی و کاربردهای مختلفی داشته باشد. معنای لغوی «غیرت» حساسیتی است که انسان در برابر متعلقات خود دارد تا نظر غیر را از آن بردارد. غیرت در لغت به معنای رشک و حسد و یا سرشار از احساسات مردانه بودن است (الهامی‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۳) و با عفت رابطه‌ای مستقیم دارد (فاخری، منتظری، ۱۳۷۸: ۱۰۷). این واژه در زبان فارسی بیشتر به عنوان همت و حمیت و حفظ آبرو و ناموس متداول است (همان: ۴۳) و در روایات، بیشتر درباره ناموس استعمال شده است (الهامی‌نیا، ۱۳۸۰: ۱۴۷) در المنجد، ذیل واژه «غیرت» آمده است:

«مرد، از فلانی بر همسرش دچار غیرت شد، یا زن، از فلانی بر شوهرش دچار غیرت شد؛ یعنی به علت تعصب از این کار متنفر شد و دوست نداشت که دیگری در حقی که برای اوست، شرکت کند.» (معلوف، ۱۳۶۲: ۵۶۳).

در اصطلاح، غیرت عبارت از منع کردن دیگران از شرکت نابه‌جا در حقی است که شرع، عرف یا قانون برای فرد معرفی کرده و حمایت کردن از آن حق در برابر رفتار ناپسند و نابه‌هنجار دیگران است. از این جهت، به فردی که برای دفاع از مملکت خود می‌جنگد و نیز به کسی که اجازه نمی‌دهد افرادی، نابه‌جا و بدون داشتن هیچ حقی، از ناموس او سوءاستفاده کنند، انسان «غیور» گفته می‌شود. به بیان دیگر، غیرت به معنای نفرتی طبیعی است که از بخل مشارکت دیگران در امر مربوط به محبوب فرد ناشی می‌شود (طریحی، ۱۹۸۵م، ج ۳: ۴۳۲).

مرحوم فیض کاشانی (۱۰۹۰-۱۰۰۷ هجری قمری) در کتاب الوافی، ضمن تأیید تعریف فوق، بابی با عنوان «باب الغیره» گشوده و روایات متعددی درباره غیرت و ویژگی‌های شخص غیور آورده است. از جمله در این روایات آمده است: مردی که در مورد رفتار ناسالم جنسی همسرش بی تفاوت باشد، از سوی فرشتگان «بی غیرت» نام گرفته است. خداوند از چنین مردی بیزار است و بهشت بر چنین فردی حرام و عذاب دوزخ برای او فراهم آمده است (فیض کاشانی، بی تا: ج ۲۲: ۳۶۴-۳۷۶). مرحوم ملا احمد نراقی می‌گوید:

«غیرت از شرایف ملکات و فضایل صفاتی است که آدمی نگاهبانی کند دین خود را و عرض خود و اولاد و اموال خود را و از برای محافظت و نگاهبانی هر یک، طریقه‌ای است که صاحب غیرت و حمیت، از آن تجاوز نمی‌کند» (نراقی، ۱۳۸۶: ۴۶۱).

علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان غیرت را امری فطری در وجود انسان و دین مقدس اسلام را راهنمایی برای جهت‌دهی این امر فطری دانسته است:

«غیرت عبارت است از دگرگونی انسان از حالت عادی و اعتدال؛ به طوری که انسان را برای دفاع و انتقام از کسی که به یکی از مقدساتش اعم از دین، ناموس و یا جاه و امثال آن تجاوز کرده، از جای خود می‌کند ... غیرت یکی از فطریات آدمی است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۴: ۲۸۰).

در مجموع می‌توان گفت واژه غیرت معمولاً در جایی به کار می‌رود که چیزی حق اختصاصی شخصی یا گروهی است و دیگران می‌خواهند مرز و حریم آن را بشکنند و انسان غیور با دفاع شدید خود از تجاوز حریم‌شکنان جلوگیری می‌کند.

بر این اساس، غیرت دارای یک معنی عام و گسترده است؛ مانند غیرت در حفظ اموال، در حفظ ناموس، در حفظ حیثیت و آبرو، در حفظ استقلال همه‌جانبه کشور و در حفظ دین و آیین، در دفاع از مظلوم و ... یک معنای خاص آن درباره حفظ حریم عفت و ناموس به کار می‌رود که موجب حمایت قوی از ارزش‌های اخلاقی شده و به جامعه آرامش و امنیت و پاکی می‌بخشد؛ در حالی که بی غیرتی باعث ازهم‌پاشیدگی شیرازه خانواده‌ها و صدها بلای خانمان‌سوز و جبران‌ناپذیر خواهد شد. به بیان دیگر، غیرت دارای اقسام گوناگونی است که از همه آنها مهم‌تر غیرت‌ورزی برای حفظ حریم ناموس است و ضد آن بی‌بندوباری و افسارگسیختگی ناموسی و انحرافات و آلودگی‌های جنسی است.

در تعریف مذکور، غیرت به عنوان خصوصیتی انسانی به کار رفته و عبارت از حساسیت و مراقبت شدید نسبت به ارزش‌های مادی و معنوی با انگیزه‌های ایمانی است. طبعاً در این تعریف، غیرت به عنوان خصلتی مردانه یا زنانه در نظر گرفته نشده، بلکه به عنوان امری فطری در وجود انسان اعم از زن و مرد نهاده شده است.

غیرت در عرف اجتماع

برخلاف آنچه در معنای لغوی و اصطلاحی غیرت مطرح شد، در عرف اجتماع غالباً غیرت به عنوان خصلتی مردانه تلقی شده و عموماً به حساسیت مرد در قبال

ناموس و حریم ناموسی خود اطلاق می‌شود. در جامعه (به عنوان مثال ایران) به مردی که یکسره مراقب خواهر و مادر و همسر خود است و آنها را محدود می‌کند و از ارتباط آنها با دیگران به شدت جلوگیری می‌کند «با غیرت» می‌گویند. یک مرد با غیرت به مردی می‌گویند که اگر خواهر و مادر و همسر او بی‌حجابی کرد و برای ارضای نیازهای جنسی و طبیعی خود با مردی ارتباط برقرار کرد، باید به هر طریق جلوی آنها را بگیرد و اگر لازم باشد آنها را کتک بزند یا حتی بکشد.

اگر با رویکردی فمینیستی بنگریم، خواهیم گفت که این نوع نگرش تماماً بر آموزه‌ها و قوانین مردسالار استوار است و دربارهٔ زنان بسیار ناهنجار و ضد انسانی است؛ چرا که سبب می‌شود حقوق زنان پایمال شده و رنج‌ها و آسیب‌های فراوان به آنها برسد. در این رویکرد، واژه‌های غیرت، تعصب، ناموس با این تعریف، تنها ابزاری برای مالکیت مردان بر زنان و به زبان ساده به بردگی کشیدن زنان است و قتل‌های ناموسی بسیاری که در جوامع اتفاق می‌افتد ناشی از این نوع نگرش مردسالارانه است. در این رویکرد، برخی از مردان از عنوان غیرت سوء استفاده می‌کنند و همسر خود را تحت فشار قرار می‌دهند. این افراد، در واقع چارچوبه‌های خودساخته در حیطهٔ غیرت را به خانواده و اطرافیان خود تحمیل می‌کنند و عنوان مقدس دین و غیرت‌مداری را هم زیر سؤال می‌برند.

حال، سؤال این است که روایات اسلامی کدام یک از دو رویکرد فوق نسبت به مسئلهٔ غیرت را تأیید می‌کنند؟ به بیان دیگر، آیا در متون اسلامی اساساً غیرت، خصیصه‌ای مردانه است یا امری فطری است که با محدودیت‌ها و شروط معینی در وجود هر انسانی اعم از زن و مرد نهاده شده است؟ به بیان ساده‌تر، آیا روایات رویکرد عرف رایج در اجتماع را صحیح دانسته‌اند یا بر اساس تعریف اصطلاحی، غیرت را نه خصلتی صرفاً مردانه، بلکه خصوصیتی انسانی تلقی کرده‌اند؟

غیرت در روایات؛ خصیصه‌ای زنانه یا مردانه

به‌طور کلی دو دسته روایات دربارهٔ با غیرت وجود دارد. در دستهٔ اول، غیرت به معنای عام به کار رفته و به هیچ وجه اختصاص به مردان نداشته و خصلتی مردانه محسوب نمی‌شود. دستهٔ دوم روایاتی هستند که غیرت در آنها فضیلتی مردانه قلمداد شده است.

غیرت، خصلتی انسانی

در راستای دستهٔ اول روایات، که معنایی عام از غیرت را در بر می‌گیرند، اصل «غیرت‌مداری» در برابر ناموس، چه غیرت مرد نسبت به زن و چه غیرت زن نسبت به مرد، ضامن حفظ بنیان خانواده و عاملی مؤثر جهت حفظ امنیت روانی جامعه خواهد بود. این نوع از غیرت‌مداری، به معنای حساسیت در برابر ناموس به معنای عام و مراقبت از عفت و پاکدامنی او در برابر بایدها و نبایدهای الهی است. افراد غیور در این نگرش، نهایت دقت را در پوشش ناموس خود به کار می‌برند و همواره مراقب نوع رفتار و ارتباط او با نامحرم هستند.

در این رویکرد، خداوند نیز غیرتمند است و امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«خداوند غیور است و هر غیوری را دوست دارد و از غیرت‌مندی اوست که زشتکاری‌های پیدا و پنهان را حرام کرده است» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱۱: ۲۲۹).

در این رویکرد، همان‌گونه که بر رعایت عفاف به زنان توصیه شده است، به مردان نیز توصیه شده است. شاهد صریح این مطلب شریفهٔ قرآن است که فرمود:

«به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند ... و به زنان با ایمان بگو: دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و

زبورهای خود را مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان آشکار نگردانند» (سوره نور، آیات ۳۰-۳۱).

در این نگاه، علاوه بر این که مرد حق دارد نسبت به همسر خود غیرت بورزد و مواظب پوشش ظاهری و نیز نگاه‌های شهوانی او باشد، زن نیز حق دارد همین نگاه را نسبت به همسر خود داشته باشد و بر این اساس، کانون زندگی خود را پایدار و پررونق نگاه دارد. در این نگرش، اصل غیرت‌مداری تنها مخصوص به ناموس نیست. غیرت‌مداری اقتضا دارد که انسان از زشت کاری دست بردارد و دامن خود را به زشتکاری‌های آشکار و مخفیانه آلوده نسازد. بدین منظور، پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر خدشه‌دار شدن جامعه به هوسبازی و بی‌عفتی، حساس بود و می‌فرمود:

«پدرم ابراهیم علیه السلام بسیار غیرتمند بود و من از او غیرتمندتر هستم و خداوند بینی آن کس [چه مرد و چه زن] را که بی‌غیرت است به خاک بمالد و ذلیل کند» (مجلسی، بی تا: ج ۱۰۳: ۲۴۸).

عمده روایات مربوط به غیرت، با این نگرش بیان شده‌اند و به مقوله غیرت هم چون خصلتی اخلاقی برای عموم انسان‌ها نگریسته‌اند. به عنوان نمونه، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«بوی خوش بهشت تا مسیر پیمودن پانصد سال راه می‌رسد، ولی به مشام چند نفر نمی‌رسد؛ یکی از آن‌ها بی‌غیرت است» (شیخ صدوق، ۱۳۸۸: ج ۳: ۲۸۱). یعنی آدم بی‌غیرت تا این اندازه (میلیون‌ها فرسخ) از بهشت دور است. یا امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند غیور است، و هر غیوری را دوست دارد و به خاطر غیرتش تمام کارهای زشت - اعم از آشکار و پنهان - را حرام فرموده است» (کلینی، ۱۹۹۲م، ج ۵: ۵۳۵). هم‌چنین امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «من لایغار فانه منکوس القلب؛ کسی که غیرت نوزد قلبش واژگونه است» (مجلسی، بی تا: ج ۷۹: ۱۱۵؛ حرآملی، بی تا: ج ۴، ۱۰۸)؛ یعنی قلب چنین شخصی، کور و بسته است و قابلیت

پذیرش نور الهی و نصایح دین را ندارد. نیز آن حضرت دستور داد که در قنوت نماز عرض کنید: «اللهم ارزقنی زوجةً قنوعاً غیوراً؛ خداوندا! همسر اهل قناعت، و غیرتمند به من عنایت فرما» (مجلسی، بی تا: ج ۱۰۳: ۲۶۸). نیز در ضمن گفتاری فرمودند: «قدر عفة الرجل علی قدر غیرته؛ اندازه عفت انسان به اندازه غیرت اوست» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷).

در هیچ یک از این روایات، خصوصیت غیرت به مرد اختصاص داده نشده، بلکه این روایات خصوصیت غیرت را نه خصلتی مردانه، بلکه خصلتی انسانی دانسته‌اند. در این روایات، غیرت یک صفت الهی - انسانی است (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۸: ۳۷۲) و برای نوع انسان و مؤمنان ستایش شده است (شیخ صدوق، ۱۳۸۸: ج ۵: ص ۹۴). البته غیرت در این معنا در صورتی به عنوان ارزش به شمار می‌آید که مانند سایر صفات ارزشی، در حد اعتدال باشد و گرنه نکوهیده و ضد ارزش خواهد بود. بر این اساس، دین اسلام و عقل سلیم چارچوب غیرت‌ورزی را مشخص کرده است. لذا وقتی سخن از غیرت‌مداری به میان می‌آید، باید مراقب باشیم که در دام افراط و تفریط گرفتار نشویم. نباید فراموش کرد که به همان میزان که غیرت در جایگاه خود در عفت همسر موثر است، غیرت نشان دادن در غیر جایگاه درست آن، در دوری آنان از عفاف و پاکدامنی و ایجاد نوعی وسواس و سوءظن تأثیرگذار خواهد بود. از این رو، امیرمؤمنان در وصیت به امام حسن علیه السلام، آن حضرت را از

غیرت در غیر جایگاه خود بر حذر داشته و آن را موجب انحراف بیماری دانسته است^۱ (نهج البلاغه، نامه ۳۱؛ کلینی، ۱۳۶۲: ج ۵: ۵۳۷).

غیرت، خصلتی مردانه

در مقابل، دسته‌ای دیگر از روایات متعدد وجود دارند که در آنها غیرت، فضیلتی مردانه قلمداد شده است (شیخ صدوق، ۱۳۸۸، ج ۵: ۹۴) در این خصوص، روایات مهمی در منابع معتبر روایی وجود دارد که اولاً مضمون این روایات با سندهای مختلف بیان شده است؛ ثانیاً در معتبرترین کتب شیعه، یعنی الکافی کلینی و الفقیه شیخ صدوق، بیان شده است؛ ثالثاً در نهج البلاغه هم آمده است که «غیرت مرد از ایمان است و غیرت زن از کفر» (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۱۹). حتی بنا بر سختگیرانه‌ترین مبنای اعتبارسنجی احادیث، حداقل سند یک حدیث از احادیث ذیل یعنی حدیث دوم معتبر است.^۲ این روایات مختصراً از این قرارند:

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «غیرت‌ورزی روا نیست مگر برای مردان؛ و اما غیرت زنان در حقیقت حسادت است و چون غیرت تنها مخصوص مردان است، به همین دلیل خداوند بر زنان جز شوهرشان را حرام کرده است ولی بر مردان چهار

۱- «إِيَّاكَ وَالتَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْغَيْرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ مِنْهُنَّ إِلَى السَّقَمِ»؛ از غیرت‌ورزی در غیر موضع آن در هراس باشید. همانا چنین کاری زن سالم را به بیماری و ناراستی می‌کشاند و پاکدامن را در اندیشه گناه قرار می‌دهد.

۲- البته توجه به این نکته نیز لازم است که روایات مانند هر متن دیگری دارای عام و خاص، ظاهر و باطن، محکم و مشابه و ... است که مقتضای لایتجزا و ساختاری هر متنی می‌باشند (ادگار، سجویک، ۱۳۸۷: ۲۹۳). بر همین اساس، برخی از تضادهای متون روایی نه به دلیل جعل و تحریف بلکه به شکل ساختاری و مقتضیات ساخت متن باز می‌گردند (احمدی، ۱۳۸۰: ۶۱۷). هنر مفسر و خوانشگر متن این است که به قواعد فهم و تفسیر مسلط شده و از دل این چالش‌های متن، معنای حقیقی را استخراج کند.

زن را حلال نموده است. و خداوند کریم‌تر از آن است که از سویی به زن غیرت بدهد و از سوی دیگر برای مرد سه زن دیگر را علاوه بر آن زن حلال کند» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۵۰۵، ح ۱). بر مبنای این حدیث شریف و احادیث مشابه آن که حاکی از تفاوتی شگرف در خلقت زن و مرد است، بحث تعدد زوجات مطرح می‌شود.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «خدای بلندمرتبه غیرت را در وجود زنان قرار نداد و تنها زنان ناشایست غیرت می‌ورزند، ولی زنان مؤمنه [حقیقی] نه. همانا خداوند غیرت را تنها در مردان قرار داد. از این رو، برای مرد چهار زن را حلال فرمود ولی برای زن جز شوهرش را حلال نکرد» (همان، ج ۵: ۵۰۵، ح ۲).

۳. امام باقر علیه السلام فرمود: «غیرت زنان حسد است و حسد ریشه کفر است. زنان وقتی غیرت می‌ورزند خشمگین می‌شوند و وقتی خشمگین شدند کفران می‌ورزند، مگر زنان مُسلمه» (همان، ج ۵: ص ۵۰۵، ح ۴).

۴. مردی نزد امام صادق علیه السلام از زن خود بسیار تعریف و تمجید کرد. حضرت فرمود: تا به حال غیرت او را آزموده‌ای؟ مرد گفت: نه! حضرت فرمود: غیرتش را بیازما! پس آن مرد چنین کرد و زنش هم ثابت قدم ماند [و حسادت نورزید]. خبر را به امام داد و حضرت فرمود: زن تو حقیقتاً همان‌گونه است که تعریف کردی! [چون حسود نیست و چشم دیدن هوو و یا سایر شریک‌های جنسی حلال شوهرش را دارد] (همان، ج ۵: ۵۰۵، ح ۵).

۵. روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله نشسته بودند که زنی عریان نزد ایشان آمد و ایستاد و گفت: ای رسول خدا، من مرتکب فجور شدم پس مرا پاک گردان! [بر من حد جاری ساز]. در این حال، مردی از راه رسید و لباسی بر بدن آن زن افکند. حضرت پرسید: با این زن چه نسبتی داری؟ مرد گفت: او همسر من است ای رسول خدا! من امروز با کنیز خود خلوت کرده بودم [که او دید] و [برای انتقام از من] مرتکب زنا

شد! حضرت فرمود: او را به خانه بازگردان! سپس فرمود: زنی که غیرت می‌ورزد بالای بیابان را از پایین آن تشخیص نمی‌دهد (همان، ج ۵: ۵۰۵، ح ۳)؛ کنایه از این که آن قدر حسادتش چشم عقل او را کور می‌کند که حتی بدیهی‌ترین چیزها را نیز تشخیص نمی‌دهد. از بحث صحّت سند و توثیق راویان این احادیث که بگذریم، دلیل عقلی قطعی نیز بر صحت این روایات وجود دارد؛ دلیلی که در متن روایت اوّل نیز بدان اشاره شده است. دلیل عقلی مبتنی بر سه نکتهٔ مقدّماتی است که بدین قرارند:

اوّل: مسلّم است که طبق صریح آیهٔ قرآن و روایات صحیح که فتوای تمامی عالمان نیز چنین است، خداوند چهار زن دائم - به شرط رعایت عدالت - و نیز زنان موقت را برای مرد حلال فرموده است.

ثانیاً: غیرت را در مردان قرار داده و بیش از یک مرد را بر زن حرام کرده و مردانی را که بر اثر اعمال زشتشان غیرت را در خود خاموش کرده‌اند به شدت نکوهش نموده است.

ثالثاً: خداوند، کریم و رحیم است.

با توجه به سه مطلب بالا، عقل حکم می‌کند این که خداوند در زنان نیز هم چون مردان غیرت داده باشد محال است؛ چرا که با کرم و رحمت خدا سازگار نیست که از سویی بیش از یک زن را به مرد اجازه داده باشد و از سوی دیگر غیرتی در زن قرار داده باشد تا از ارتباط شوهرش با هووها برنجد و عذاب بکشد؛ همان گونه که مرد با غیرت از ارتباط نامشروع مردان نامحرم با همسرش عذاب می‌کشد. بر این اساس، طبق روایات فوق و دلیل عقلی‌ای که بیان شد، این که خون بعضی زنان نسبت به هووهای خود - حتی هووهای خیالی که هنوز وجود هم ندارند! - به جوش می‌آید نه ناشی از غیرت جنسی - که خدا اصلاً در آنها نیافریده است - بلکه ناشی از حسادت است که از القائات و خواسته‌های شیطان است.

تقیح غیرت زنانه؛ دو دلیل عمده

از یک طرف بر اساس دسته اول روایات، غیرت یک صفت الهی-انسانی است (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۸: ۳۷۲) و غیرت برای نوع انسان و مؤمنان ستایش شده است (شیخ صدوق، ۱۳۸۸: ج ۵: ۹۴). از طرف دیگر، در دسته دوم روایات، غیرت نه تنها فضیلتی صرفاً مردانه قلمداد شده است، بلکه حتی این صفت برای زنان مذموم دانسته شده است. این امر نشان می‌دهد که اختصاص دادن غیرت به مردان، به معنای آن نیست که این صفت در زنان نیست. نکته کلیدی اینجا است که در روایات، صفت غیرت و غیور بودن برای مردان پسندیده و در زنان مذموم و نکوهیده قلمداد شده است. از این رو، ما باید با تحلیل دسته دوم روایات، احساسات موسوم به «غیرت زنانه» را با دلایلی موجه از دایره شمول مفهوم غیرت خارج کنیم. برای این امر، لازم است دلایل عمده مذموم بودن غیرت زنانه را تبیین نموده و جایگاه احساسات موسوم به «غیرت زنانه» را در معنای عام غیرت، به عنوان خصلتی انسانی تبیین نماییم. به طور کلی، در روایات دو دلیل عمده برای تقیح غیرت زنانه ذکر شده است:

۱. غیرت زنانه در واقع از جنس حسد است (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۵۷) و حسد نیز ریشه‌ای در ایمان ندارد و به نوعی مبدأ و منبع کفر است (حرعاملی، بی تا: ۲۲۰).

۲. مرد می‌تواند چهار همسر اختیار کند و نیز در تمتع از کنیزان هیچ مانعی ندارد؛ حال آن که زن تنها می‌تواند با یک همسر زندگی را سر کند. بنابراین، غیرت زنانه ناموجه است (شیخ صدوق، ۱۳۸۸، ج ۵: ۹۴) (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۵۷).

دلیل اول در حقیقت دلیلی روانشناسانه است و مدعی است غیرت بنا بر تعریف از ایمان و احساسات پاک و سراسر دینی سرچشمه می‌گیرد؛ حال آن که وسواس و حساسیت زنان نسبت به حرکات و سکناات همسرانشان از این احساس ریشه می‌-

گیرد که می‌خواهند او را مهار کنند تا مبادا مهر دیگری در دل او نشسته و شریک یا رقیبی جدید را وارد معادلات زندگیشان کند.

حسادت و غیرت دو صفت کاملاً متفاوت‌اند و هر کدام ریشه‌ای جداگانه دارند. ریشه حسادت، خودخواهی و از غرائز و احساسات شخصی است، ولی غیرت یک حس اجتماعی و نوعی است و فایده و هدفش متوجه دیگران است. غیرت نوعی پاسبانی است که آفرینش برای مشخص بودن و مختلط نشدن نسل‌ها در وجود بشر نهاده است (مطهری، ۱۳۷۲: ۵۴-۵۸). سرّ این که مرد حساسیت فوق‌العاده‌ای در جلوگیری از آمیزش همسرش با دیگران دارد این است که خلقت مأموریتی به او داده است تا نَسَب را در نسل آینده حفظ کند. البته علاقه به حفظ نسل در زن هم وجود دارد، ولی در آنجا احتیاج به پاسبان نیست؛ زیرا انتساب فرزند به مادر همیشه محفوظ است و اشتباه‌پذیر نیست. از اینجا می‌توان فهمید که حساسیت زن در منع آمیزش شوهر با دیگران، ریشه‌ای غیر از حساسیت مرد در این مسأله دارد. احساس زن را می‌توان ناشی از خودخواهی و انحصارطلبی دانست، ولی احساس مرد چنان که گفتیم جنبه نوعی و اجتماعی دارد. اگر حس غیرت هم در مرد نمی‌بود که محل بذر را همیشه حفاظت و پاسبانی کند، رابطه نسل‌ها با یکدیگر به کلی قطع می‌شد، هیچ پدری فرزند خود را نمی‌شناخت و هیچ فرزندی پدر خود را نمی‌دانست کیست.^۱

۱- بر همین اساس، از منظر اندیشمندان اشکال عمده و اساسی چند شوهری، مسئله اشتباه انساب است؛ چرا که در این نوع زناشویی، رابطه پدر با فرزند عملاً نامشخص است. حال آن‌که، زندگی خانوادگی و تأسیس آشیانه برای نسل آینده و ارتباط قطعی میان نسل گذشته و آینده، خواسته غریزه طبیعت بشر است (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، صص ۲۸۸-۲۸۹).

البته باید بر این نکته نیز تأکید کرد که دسته دوم روایات، منکر حس حسادت و انحصارطلبی مرد نیست، بلکه مدعی است که فرضاً اگر مرد حسادت خود را با نیروی اخلاقی از میان ببرد باز یک نوع حس اجتماعی در او وجود دارد که اجازه نمی‌دهد با آمیزش همسرش با مردان دیگر موافقت کند. بر اساس این روایات، منحصر دانستن علت حساسیت مرد به حس حسادت که یک انحراف اخلاقی فردی است اشتباه است؛ لذا در این دسته از روایات بدین موضوع اشاره شده است که آنچه در مردان است غیرت و آنچه در زنان است حسادت است.

اینجاست که پاسخ پرسش طرح شده در آغاز این نوشتار (این که اگر زنی از سر عشق، بی‌چشمداشت به همسر و خانواده‌اش، تلاش کرد تا به نوعی همسر خود را کنترل کرده و دورادور تحت نظر گیرد تا اتفاقی ناگوار این کانون گرم را متلاشی نسازد، آیا صرفاً حسادت ورزیده و در ورطه ردیلتی غلطیده و هیچ توجیه اخلاقی برای رفتار او وجود ندارد؟) را باید در دسته اول روایات جستجو کرد. بر اساس این دسته از روایات، «تلاش زن برای حفظ همسر» نه تنها ناپسند نیست، بلکه از زمره فرائض قلمداد شده است. اهمیت این مقوله تا به حدی است که روایات حتی توصیه‌هایی کاربردی را نیز ارائه کرده و از زنان خواسته‌اند با روش‌های گوناگون اما مشروع آرایشی - پیرایشی، جذابیت خود را برای همسرانشان حفظ کنند (شیخ صدوق، ۱۳۸۸، ج ۱۰: ۵ تا ۷). هم‌چنین با پیشنهادهایی کاملاً عینی و عملی راهکارهایی به زنان ارائه شده که در مسیر پرفراز و نشیب زندگی تنور روابط زناشویی را گرم نگاه دارند و اساساً شوهرداری، جهاد زن قلمداد شده است (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۸۹). علاوه بر این که، خانم‌ها معمولاً نوعی غیرت و حساسیت نسبت به خود دارند و معتقدند حریم فرد دیگری‌اند و بعد از ازدواج بیشتر پاسدار حریم خود خواهند بود. حتی آنان در مورد اموال شوهر نیز همین تفکر را دارند تا مبادا این اموال از بین برود و لذا قرآن می‌فرماید: ﴿حَافِظَاتُ لَلْغَيْبِ

بِمَا حَفِظَ اللَّهُ؛ «در نهان [از شوهر] نسبت به آنچه خدا فرموده است حافظند» (نساء، ۳۴).

بر اساس تعالیم اسلامی، زنان نیز هم چون مردان در اجتماع مسئولیت داشته و تا می توانند باید از کژی ها و زشتی ها جلوگیری به عمل آورند. در بیان شریف قرآن آمده است که «مردان و زنان باایمان بر یکدیگر ولایت و سرپرستی داشته و به نیکی ها فرمان داده و از بدی ها جلوگیری می کنند»^۱ (توبه، ۷۱) بر این اساس، اگر بانوی مسلمانی، همسر خود را از ارتباطات نامشروع و ناسالم بازدارد، به وظیفه دینی خود عمل کرده و در طرف مقابل، اگر نسبت به این موضوع با بی تفاوتی رفتار کند، او نیز مرتکب گناه شده و در برابر پروردگار پاسخ گو خواهد بود. این مسئله نشان می دهد که در روایات آنچه محل بحث و چالش است نفس «تلاش زن برای حفظ همسر و زندگی» نیست، بلکه چگونگی آن است؛ یعنی روایات با این هدف مقدس مشکلی ندارند، بلکه روش ایصال به آن را مورد بحث و کنکاش قرار می دهند و به بیان دیگر از زنان درخواست می کنند که به جای تجسس و روش های تفتیشی که عمدتاً ناکارآمد و تنش زاست، فضای زندگی را چنان مطبوع سازند که انگیزه های مرد برای جدایی یا کاهش روابط از بین رود.

دلیل دوم، صورت و ماهیتی کاملاً فقهی - حقوقی دارد. در این روایات در واقع به جای آن که علت اصلی مذموم بودن غیرت زنانه ذکر شود، این حکم به احکام فقهی ارجاع می یابد و به صورتی کاملاً درون دینی و درون گفتمانی دلایلی برای این مسئله ذکر کرده و تأکید می کند چون در اسلام، مرد حق زندگی همزمان با چهار همسر و تمتع از کنیزان را دارد، بنابراین غیرت زنانه در تضاد با تحقق این

۱- «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

احکام شرعی است. ناپسند بودن غیرت زنانه در دسته دوم روایات به جهت این است که نوعی مخالفت با فرمان الهی تلقی می‌شود و با مسئله تعدد زوجات مرتبط است که جواز آن با شرایط خاص، در اسلام امری مسلم شناخته شده است. حساسیتی که زن در برابر همسر دوم از خود نشان می‌دهد در واقع نوعی حسادت زنانه و حساسیت بی‌مورد و نابه‌جاست که منجر به نافرمانی و معصیت خداوند و مخالفت با حکم و دستور او می‌گردد. زن اگر به دیگر همسر شوهرش حسادت بورزد، با فرمان خدا مخالفت کرده است. غیرت زن در برابر شوهرش و مانع شدن از تعدد زوجات - با این که خداوند در قرآن صریحاً آن را حلال فرموده - منجر به مخالفت با احکام خدا شده و در واقع موجب می‌شود که او حکم الهی مبنی بر جواز تعدد همسر را منکر شود. از این رو، غیرت زنانه امری ناپسند محسوب می‌شود.

البته در اینجا پرسشی پیش می‌آید که آیا ازدواج با چهار همسر، «حق» نامشروط مرد است که بی هیچ دلیلی می‌تواند استیفا شود و یا این که مانند برخی از حقوق، شرایط و ضوابطی برای استیفا دارد؟ در هر صورت، پاسخ به این سؤال وظیفه و موضوع این نوشتار نیست و لاجرم آن را وا می‌نهم.

غیرت زنانه؛ ممدوح یا مذموم

بر اساس آنچه بیان شد، غیرت بانوان نسبت به ارتباطات مشروع همسرانشان را می‌توان در دو گروه، دسته‌بندی کرد:

۱. غیرتی که ناشی از علاقه‌مندی باشد؛ یعنی خانمی بداند که رفتار شوهر او در تصمیم به ازدواج دائم یا موقت با زنی دیگر، خلاف شرع نیست، اما تنها به دلیل علاقه‌مندی به شوهر خود و نیز نگرانی در مورد آینده زندگی مشترکش و بدون آن که اعتراضی به حکم اسلام داشته باشد، با شیوه‌های مختلف تلاش می‌کند تا

شوهر خود را از این تصمیم باز دارد؛ موضوعی که بیشتر رفتارهای غیرت‌آمیز زنان را در همین راستا می‌توان توجیه کرد! آیا چنین غیرتی از بانوان نیز کفرآمیز است؟ روایتی از اسحاق بن عمار، پاسخ‌گوی این پرسش است. او روایت می‌کند که به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم که بانویی نسبت به شوهر خود غیرت ورزیده و او را از این جهت، مورد اذیت و آزار قرار می‌دهد. امام صادق علیه السلام با بی‌تفاوتی و بدون آن که آن زن را در این ارتباط مقصر اعلام نماید - بیان فرمود که دلیل چنین غیرتی، عشق و علاقه آن بانو به شوهر خویش است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۵۰۶، ح ۶).

دقت بفرمایید که در این مورد، امام معصوم، حساسیت و غیرت بانوان را کفرآمیز تلقی نکرده، بلکه آن را ناشی از عشق و علاقه‌ای دانسته که ممدوح بوده و باعث تقویت و تحکیم روابط خانوادگی می‌شود.

۲. غیرتی که به دلیل نپذیرفتن حکم اسلام باشد. قرآن تصریح کرده که مردان نباید از مجاز بودن ازدواج مجدد سوءاستفاده نموده و با هوسرانی و تشکیل چند زندگی، بنیان خانواده را متزلزل کنند (نساء، ۱۲۹)؛ اما اگر مردی، به هر دلیل، نیاز به ازدواج مجدد داشته و با رعایت شرایط لازم، اقدام به این ازدواج، چه به صورت دائم و چه به صورت موقت کرده است، همسر اول او نباید به شیوه‌ای برخورد کند که از رفتار او، مخالفت با حکم الهی برداشت شود؛ چون رفتاری از این دست، در نهایت منجر به کفر می‌شود و زنان باایمان، هرگز کاری نمی‌کنند که از آن بوی کفر به مشام آید (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۵۰۵، ح ۲). دسته دوم روایات مبنی بر ناپسند بودن غیرت زنانه نیز به همین معنا بوده و در آن، چنین غیرت نابه‌جایی از زنان، کفر و ناسپاسی ارزیابی می‌شود و همان‌گونه که بیان شد، غیرت نابه‌جای مردان نیز در جای خود نکوهش شده است. بر این اساس و با توجه به بررسی این روایت و انطباق آن با دیگر آیات و روایات، می‌توان نتیجه گرفت که دسته دوم

روایات، نه از غیرت صحیح بانوان انتقاد کرده و نه بر غیرت نادرست مردان، مهر تأیید می‌نهند.

به طور کلی، اگر غیرت زن را به معنای محبت به شوهر و علاقه‌مندی به ادامه زندگی مشترک و تهدید نشدن آن از جانب زن دیگری بدانیم، چنان‌که در بیشتر بانوان همین گونه است، نمی‌توان چنین محبتی را مذموم دانست؛ اما اگر او بخواهد با غیرت خود، مجاز بودن چند همسری مردان را که با شرایطی از سوی اسلام پذیرفته شده است، زیر سؤال برده و آن را ناعادلانه بیندارد، چون با قانون مسلم اسلام که در قرآن بدان اشاره شده، به مخالفت برخاسته، در معرض کفر و مذمت قرار خواهد داشت.

چند موید بر صحت دسته دوم روایات

۱. غیرت مرد به زن اگر به درستی صورت گیرد نه تنها از جانب زن نوعی تبعیض تلقی نخواهد شد، بلکه خود خانم‌ها طالب غیرت مرد خویش خواهند بود. در واقع، غیرت مرد نسبت به همسر و فرزندانش امری فطری و ضروری است و جزء شاکله مسؤولیت مرد است؛ مشروط به آن‌که حالت افراطی نداشته باشد. خانم‌ها طالب غیرت مرد خویشند و می‌خواهند همسرانشان نسبت به وضع آنها حساس باشند. خانم‌ها از مردی که نسبت به وضع لباس و پوشش آنها بی‌تفاوت باشد ناراضی‌اند. بنابراین، حساسیت مرد البته اگر در حد معقول باشد از جانب بانوان نوعی دوست‌داشتن، محبت و حمایت تلقی می‌گردد.

بر این اساس، غیرت و ناموس‌پرستی نیاز به آموزش صحیح دارد. اکثر خانواده‌ها به دلیل جنبه‌های مثبت این پدیده سعی می‌کنند فرزندان خود را با غیرت بار بیاورند، در حالی که جنبه‌های منفی این پدیده نیز ناخودآگاه منتقل می‌شود. جلوگیری از تحصیل زنان، محدود کردن فرصت‌های ازدواج آنها به افراد درون

خانواده مثل پسر عمو و ... قتل‌های ناموسی که گاه به خاطر یک مَملُک و یا یک نگاه مرد غریبه رخ می‌دهد از جمله مخاطراتی است که در اثر کاربرد نادرست غیرت در اجتماع به وجود می‌آید.

نباید از یاد برد که افراط و تفریط در هر کاری، ناپسند و ناکارآمد است و چه بسا نتیجه معکوس در پی داشته باشد. از این رو، برخی از روایات، حساسیت، سوءظن و غیرت بی‌جا را محکوم و ناپسند دانسته‌اند که از جمله می‌توان به روایات زیر اشاره کرد. پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ فرمودند:

«غیرتی وجود دارد که خدا دوست دارد و غیرتی نیز هست که دوست ندارد. غیرتی که خدا آن را دوست دارد، غیرت در ریه و شک است؛ و غیرتی که دوست ندارد، غیرت نشان دادن در جایی است که ریه و شک وجود نداشته باشد» (متقی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۵۸۳، ح ۷۶۰۷).

در واقع، بهترین مصداق برای غیرت درست، آن است که امام حسین علیه السلام در گودال قتلگاه هنگامی دید که به زن و بچه‌اش هجوم آوردند فرمود: «ان لم یکن لکم دین ...» اگر دین ندارید، مرد باشید. تا من زنده هستم کاری به زن و بچه من نداشته باشید (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱۷: ۲۱۰).

درست است که مرد باید مواظب همسرش باشد و نیز بر اساس دسته اول روایات درست است که زن باید مواظب شوهرش باشد، اما این حساسیت و غیرت نباید به سوءظن کشیده شود. لذا امام علی علیه السلام در وصیت خویش به فرزندش، امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرمایند: «به شدت مراقب باش، در مواردی که نیاز به غیرت‌ورزی نیست، اقدام به این کار نکن! یقیناً رفتاری از این دست، منجر به آن

خواهد شد که اشخاص سالم، بیمار شده و افراد پاک، به گناه آلوده شوند»^۱
(کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۵۳۷).

امام علی علیه السلام در این سخنان، به نکته روان‌شناسی مهمی اشاره کرده و حساسیت‌های بی‌مورد برخی مردان را که به بهانه غیرت‌ورزی، همسران خود را از هرگونه فعالیت اجتماعی باز می‌دارند، مورد انتقاد قرار داده است. بنابراین مردان باید مواظب باشند آنجایی که نباید غیرت به خرج دهند بی‌خود غیرت به خرج ندهند؛ چراکه «فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ مِنْهُنَّ إِلَى السَّقَمِ»؛ اگر آدم حساسیت نابه‌جا نسبت به خانمش داشته باشد زن سالم هم فاسد می‌شود.

۲. طبیعی است که زن همیشه می‌خواهد مطلوب و معشوق مرد خود باشد. جلوه‌گری‌ها، دلبری‌ها و خودنمایی‌های زن همه برای جلب نظر مرد است و زن آن قدر که می‌خواهد مرد را عاشق دلخسته خویش کند طالب وصال و لذت جنسی نیست (مطهری، ۱۳۷۲: ۵۴-۵۸). اگر زن نمی‌خواهد که شوهرش با زنان دیگر آمیزش داشته باشد به این جهت است که می‌خواهد مقام معشوق بودن و مطلوب بودن را خاص خود کند. این در حالی است که در مرد چنین احساسی وجود ندارد و این‌گونه انحصارطلبی در سرشت مرد نیست. لهذا اگر مانع آمیزش زنش با مردان دیگر است، ریشه‌اش همان حراست و نگهبانی نسل است که پیشتر به آن اشاره شد. در حقیقت، اسلام حفاظت پاکی نسل و عدم اختلاط آنساب را منظور نظر دارد که این قدر بر غیرت ورزیدن مردان تأکید کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

۱- «إِيَّاكَ وَالتَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْغَيْبَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ مِنْهُنَّ إِلَى السَّقَمِ».

«اگر زن با زینت و عطر از خانه خارج شود و شوهرش هم رضایت داشته باشد، در مقابل هر قدمی که آن زن برمی‌دارد، خانه‌ای از آتش برای مرد بنا می‌کنند» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۰: ۲۴۹).

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در روایتی خطاب به اهل عراق چنین می‌فرماید: «ای اهل عراق، به من خبر رسیده که زن‌های شما در راه‌ها با مردها برخورد می‌کنند. آیا حیا نمی‌کنید؟»^۱ (طبرسی، ۱۴۱۸ق: ۲۳۷) و در روایت دیگری هم از آن حضرت چنین آمده: «آیا حیا نمی‌کنید و به غیرت در نمی‌آیید؟ زنان شما با بازارها می‌روند و با بی‌نزاکت‌ها در هم می‌آمیزند؟» (حرآملی، بی‌تا، ج ۲۰: ۲۳۶).^۲ البته این روایت بدان معنا نیست که خانم‌ها به تنهایی به بازار نروند؛ معنای روایت آن است که مردها مراقب باشند و به همسر خود سفارش کنند تا وارد مغازه هر کسی نشود و اگر دیدند فروشنده‌ای اهل ادب و نزاکت نیست، از او خرید نمایند.

۳. از جمله مشکلاتی که باعث ایجاد نارضایتی زنان نسبت به برخی از آموزه‌های اسلامی است و منشأ بسیاری از اختلالات فردی و اجتماعی شده، ناهمپوشی و عدم تطبیق کامل عرف حاکم بر جامعه با آموزه‌های بسیار متریقی و پیشرفته دینی است. به عنوان نمونه، دین اسلام ازدواج موقت را برای کسانی که امکانات ازدواج دائم را از جهت تمکن مالی و یا سایر شاخص‌ها ندارند، تشریح فرموده، اما متأسفانه عرف جامعه به گونه‌ای است که ازدواج موقت را در حد زنا و در برخی موارد قبیح‌تر از آن می‌داند. نمونه دیگر عدم تطبیق عرف و دین در مسئله ازدواج است که اسلام آن را بسیار راحت و سهل‌الوصول طرح کرده، اما عرف با

۱- «يا أَهْلَ الْعِرَاقِ نُبِّئْتُ أَنْ نِسَاءَكُمْ يَدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحُونَ...».

۲- «قَالَ أَمَا تَسْتَحُونَ وَ لَأ تَعَارُونَ نِسَاؤَكُمْ يُخْرَجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ يُرَاجِمَنَّ الْعُلُوجَ...».

قائل شدن به تشریفات عجیب و غریب و مهریه‌های بسیار سنگین که غیر دینی و غیر شرعی است، موجب ایجاد مشکل بفرنج و پیچیده و اختلال‌زایی به‌نام سرباز زدن جوانان از ازدواج در جامعه شده است. در رابطه با مسئله غیرت نیز همین مشکل وجود دارد و عرف حاکم بر جامعه، مرد با غیرت را مردی می‌داند که اگر خواهر و مادر و همسر آنها بی‌حجابی کرد و برای ارضای نیازهای جنسی و طبیعی خود با مردی ارتباط برقرار کرد، باید به هر طریق جلوی آنها را بگیرد و اگر لازم باشد آنها را کتک بزند یا حتی بکشد. این در حالی است که اگر به توصیه‌ی امیرمؤمنان علی علیه السلام که فرمود: «از غیرت‌ورزی بی‌جان نسبت به زنان پرهیزید» عمل شود، بسیاری از قتل‌های ناموسی و افراط‌های ناشی از غیرت مردانه اتفاق نمی‌افتد. از این رو، یکی از تلاش‌هایی که باید صورت گیرد دینی کردن عرف حاکم بر جامعه است؛ یعنی باید تلاش شود که نقاط غیردینی عرف حاکم شناسایی شود و سپس به تدریج اصلاح گردد.

نتیجه

بر اساس آنچه بیان شد، غیرت امری فطری و ارزشی اخلاقی برای نوع انسان و مؤمنان، اعم از زن و مرد است؛ هرچند نوع و نحوه کاربرد آن در زن و مرد به اقتضای نقش هر یک از آنها در خانواده و اجتماع متفاوت است. غیرت زنانه بدان جهت است که زن می‌خواهد مقام معشوق بودن و مطلوب بودن را خاص خود کند؛ این در حالی است که در مرد چنین احساسی وجود ندارد و این‌گونه انحصارطلبی در سرشت مرد نیست و اگر مانع آمیزش زنش با مردان دیگر است، ریشه‌اش همان حراست و نگهداری نسل است. در حقیقت، اسلام حفاظت پاک‌ی نسل و عدم اختلاط آنساب را منظور نظر دارد که این قدر بر غیرت ورزیدن مردان تأکید کرده است. بر این اساس، غیرت زنانه اگر به معنای محبت به شوهر و علاقه‌مندی به ادامه زندگی

مشترک و ناشی از عشق و علاقه‌ای به همسر که باعث تقویت و تحکیم روابط خانوادگی است باشد، نمی‌توان آن را مذموم دانست؛ اما اگر بخواهد مجاز بودن چند همسری مردان را که با شرایطی از سوی اسلام پذیرفته شده است، زیر سؤال برده و آن را ناعادلانه بیندارد، چون با قانون مسلم اسلام که در قرآن بدان اشاره شده، به مخالفت برخاسته، در معرض کفر و مذمت قرار خواهد داشت.

به نظر می‌رسد آنچه در مقوله اخلاقی غیرت، موجب تمایز داوری اخلاقی در باب زن و مرد شده، بیش از این که تابع مطلق شخصیت و ماهیت زن باشد، تابعی از نقش زن در بستر جامعه و خانواده، حفاظت از پاکی نسل و عدم اختلاط آنساب است. به بیان دیگر، بیشتر روایاتی که زن را در شرایط اخلاقی متفاوتی قرار می‌دهند زن را نه به‌طور ذاتی و علی‌الاطلاق بلکه در ظرف نقش‌های اجتماعی یا خانوادگی مانند همسر، دختر پیش از رسیدن به سن بلوغ یا بعضاً رشد، مورد تحلیل قرار می‌دهند.

این تبیین را درباره برخی دیگر از ارزش‌های اسلامی که ناظر به امور زن است نیز می‌توان ارائه داد؛ مثلاً در مورد حجاب و نوع پوشش، این که می‌گویند مرد با غیرت اجازه بدحجابی یا بی‌حجابی به زنش نمی‌دهد، به این جهت است که نبود یا بد بودن حجاب زمینه را برای شراکت دیگران در آنچه مخصوص این مرد است فراهم می‌کند. بر این اساس، غیرت در مورد ناموس به این است که مرد بر محافظت زن و دختر و خواهران خود بکوشد، از بیرون رفتن بی‌جهت آنان جلوگیری کند، از مناظر شهوت‌آلود منع کند، از پوشیدن لباس نازک و تن‌نما آنان را بر حذر دارد، آنان را از گفتگو با نامحرمان منع کند و همواره سفارش به تقوا و حفظ حجاب نماید تا آبروی خانوادگی و اجتماعی آنان محفوظ بماند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. سید الشریف الرضی، ۱۳۷۵، نهج البلاغه، به تصحیح صبحی صالح، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳. منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام امام ششم، ۱۳۶۰، شرح مصباح الشریعه، ترجمه سید حسن مصطفوی، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۴. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی، ۱۳۸۸، من لا یحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، نشر صدوق.
۵. احمدی، بابک، ۱۳۸۰، ساختار و تأویل متن، تهران: نشر مرکز.
۶. ادگار، اندرو، سیجویک، پیتر، ۱۳۸۷، مفاهیم بنیادی نظریه فرهنگی، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
۷. حر آملی، محمد بن حسن، [بی تا]، وسائل الشیعه، ج ۲۰، قم: مؤسسه آل البیت.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۴، قم: جامعه مدرسین.
۹. طبرسی، حسن، ۱۳۶۵، مکارم الاخلاق، ترجمه سید ابراهیم میرباقری، تهران: فراهانی.
۱۰. طبرسی، علی بن حسین، ۱۴۱۸ق، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، به تحقیق مهدی هوشمند، قم: دارالحدیث.
۱۱. طریحی، فخرالدین، ۱۹۸۵م، مجمع البحرین، ج ۳، بیروت: اسلامی.
۱۲. فاخری، علیرضا، منتظری، محمد حسین، ۱۳۷۸، اخلاق خانواده، قم: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه.
۱۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، [بی تا]، الوافی، ج ۲۲، اصفهان: مکتبه الامام علی علیه السلام.

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵ق، الکافی، ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۹۹۲م، فروع کافی، بیروت: دارالاضواء.
۱۶. متقی، علی بن حسام الدین، ۱۴۰۹ق، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۷. مجلسی، علامه محمد باقر، [بی تا]، بحار الانوار، تهران: اسلامیه.
۱۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، مسئله حجاب، تهران: انتشارات صدرا.
۱۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ سی و پنجم، تهران: انتشارات صدرا.
۲۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۶، مجموعه آثار، چاپ دهم، تهران: انتشارات صدرا.
۲۱. معلوف، لوئیس، ۱۳۶۲، المنجد فی اللغة، قم: اسماعیلیان.
۲۲. نراقی، ملا احمد، ۱۳۸۶، معراج السعاده، قم: انتشارات قائم آل محمد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی